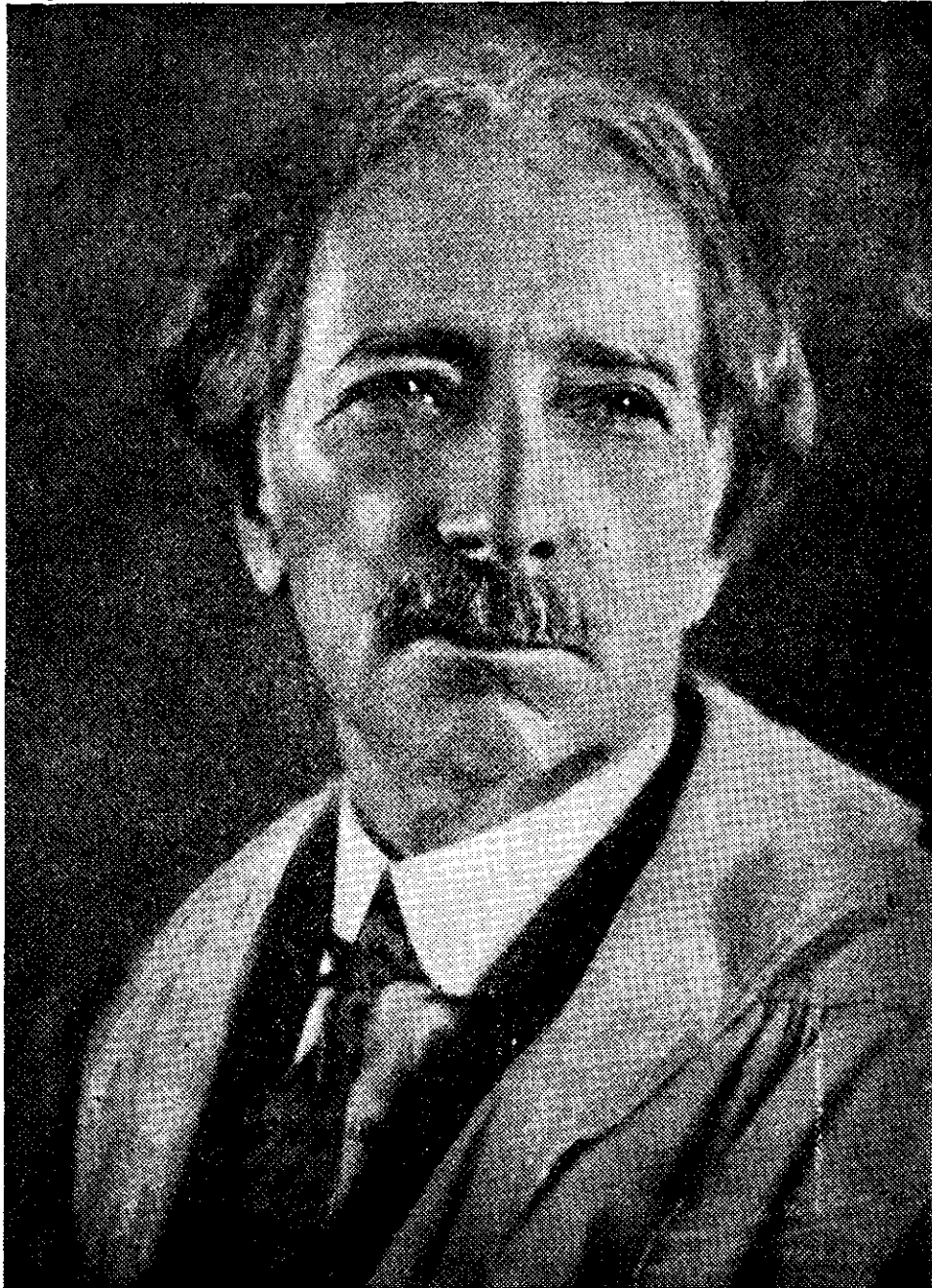
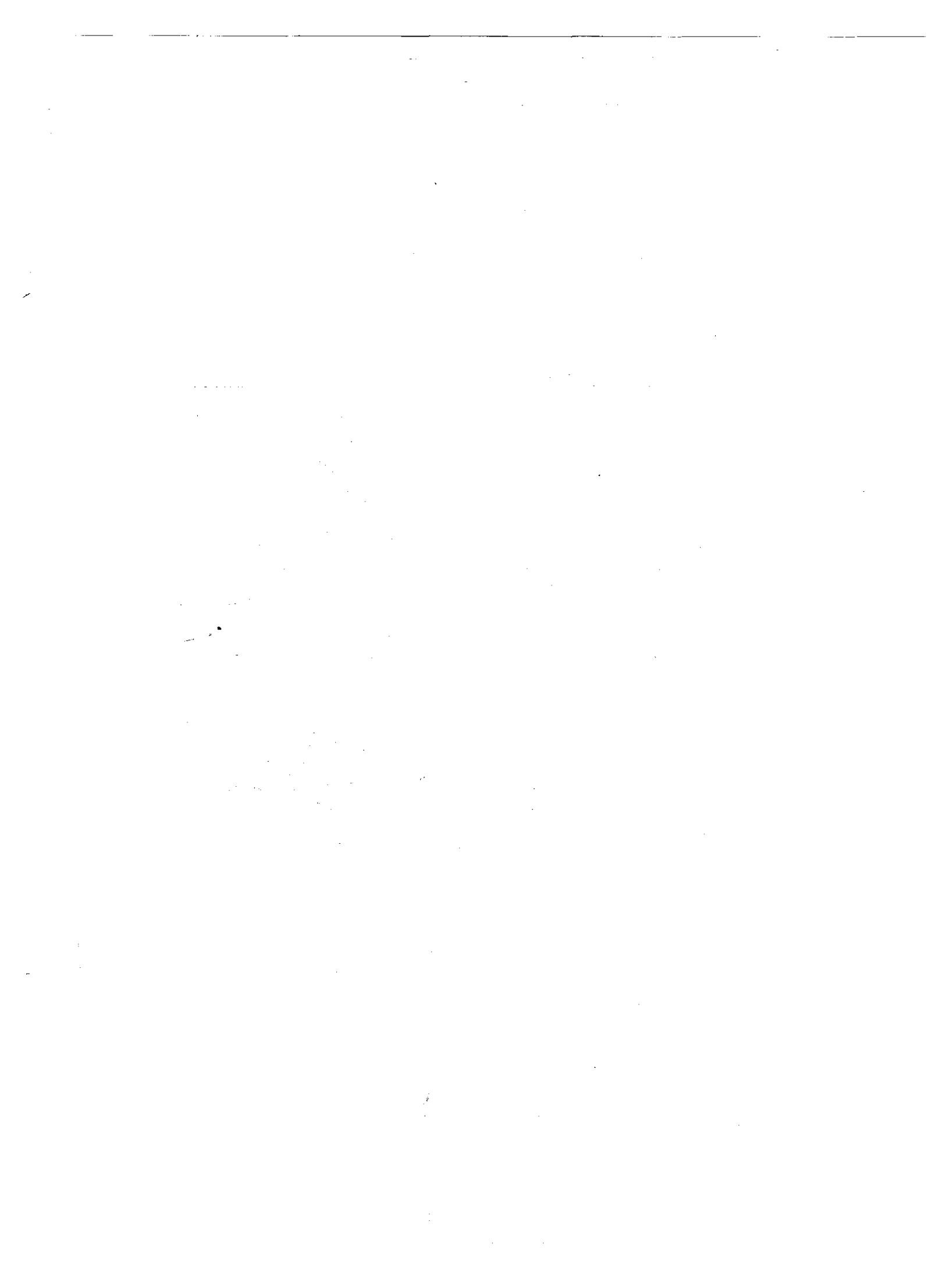


اسماء بنت ابی بکر





* *

(آهنگ بدیع قبل از انتشار بتصویب محفل مقدس روحانی طهران میرسد)

آهنگ بدیع		
از انتشارات کمیسیون نشریه لجنه جوانان بهائى طهران		
وجه اشتراك		
سالانه	۱۹ شماره	۱۲۰ ریال
ده ماهه	۱۰ شماره	۹۰ ریال
پنج ماهه	۵ شماره	۴۵ ریال

اعلان

- ۱- نشریه آهنگ بدیع هرماه بهائى يك شماره در چند و د بیست صفحه منتشر میشود از کسانیکه مایل به اشتراک آن میباشند متضمن است تقاضا و وجه اشتراك خود را یا تعیین آدرس کامل توسط لجنه جوانان بهائى طهران و یا صندوق مکاتیب آهنگ بدیع ارسال فرمایند .
- ۲- خوانندگان عزیزى که مایلند با ما مکاتبه نموده و در تهیه مطالب و مقالات این مجله شرکت نمایند میتوانند مقالات خود را یاد رسی که ذیلا تعیین شده ارسال دارند .
- طهران سرای حاجی رحیمخان - شرکت نونهالان آقای فواد احمد پسنور
- ۴- مقالات وارده مستر نشده و بنیث تحریریه در حکم اصلاح آن مختار است .

هیئت تحریریه

 تبرک کس خوانندگان
 نتیجه مسابقه شماره ۳ در نقطه تبرکه موصول
 در شماره بعد اعلان خواهد شد

تک شماره ده سال

پشت جلد : لوئیس بوژوا طراح مشرق الاذکار بهائیان آمریکا

* * * * *
* فهرست مند رجسات *
* * * * *

صوموا حیا لجمالی	صفحه دوم	هیئت تحریریه
۲ جامعه جوان بهائی	صفحه سوم	آقای عباس شاهلی
۳ شهادت جناب سلیمان خان	صفحه ۴ و ۵ و ۶ و ۷	آقای روحی اریاب
۴ ادبیات سئوال و جواب	صفحه ۸	از اشعار جناب مصباح
۵ تعالت هذه القوه	صفحه ۹	آقای مهندس شهید زاد
۶ مشهودات ما - کاروان تشویقی	صفحه ۱۰	—
۷ تلگراف رئیس جمهور امریکا	صفحه ۱۱	نقل از اخبار امری محفل ملی
۸ د رکنارد ریچمه میشیگان	صفحه ۱۲ و ۱۳ و ۱۴ و ۱۵	آقای ابراهیم منصوری
۹ مبلغ کوچولو در حضور حضرت عید البها	صفحه ۱۶	آقای روحی اریاب
۱۰ بقیه مقالات	صفحه ۱۷	—
۱۱ نهنگ آتش	صفحه ۱۸ و ۱۹	آقای اشراق خاوری
۱۲ شنید نبها ظلمت آفتاب	صفحه ۲۰	از دج لثالی هدایت
۱۳ مسایفات	صفحه ۲۱	—

* * * * *

و اما در خصوص اشتراك بمجلات امریه از فرائض - ۱۰ | | شایان دقت و توجیه | | امریه در نهایت اتقان و متانت احیای الهی است که بتمام قوت تقویت این مجلات و سلامت مرقم دارند

بهائی را نمایند و در صورت استطاعت احیاء جمعا و ((نقل از توفیق منبع مبارک حضرت ولی اسرار الله رسما به واسطه محفل روحانی خویش اشتراك بساین مورخه جانوری ۱۹۲۳ - دهم جمادی الاولی (۱۳۴۱))

* خوانندگان عزیز *
* * * * *

هیئت تحریریه مجله آهنگ بدیع د ائما میکوشد که زیده مطالب و مقالات و رسالاتی را که توسط فضلا و دانشمندان بهائی و غیر بهائی اعم از بیرو جوان و یاد اخل و خارج ایران نگاشته میشود گرد آورد و بصورت این مجله ما هیاتیه از نظر فارغین گرامس خویش بگذراند و چنانچه در چند شماره ای که تاکنون منتشر شده و در دست رس عموم قرار گرفته این منظور حتی المقدور عملی گردیده است . لیکن از آنجائیکه اشتراك مساعی در رهramری از امور امریه از وظائف حتمیه افراد يك جامعه زنده میباشد و از طرفی هم امکان زیبایی و متانت يك چنین مجله ای که یگانه معرفت جدیدت و فعالیت جامعه جوانان بهائی طهران است جز کمک و مساعدت فکری و قلمی د وستان راستان مقدور و ميسور نیست لذا امید و طید چنانست که خوانندگان یادوق "آهنگ بدیع" را از خود دانسته و همانطوریکه در انجام امور شخصیه مجاهدت مینمایند در طرز تنظیم و تدوین و تهیه مقالات این نشریه نیز بهر نحو که خود مایل باشند اقدام جدی و عاجل میدول فرمایند (هیئت تحریریه)



صُومُوا حَبًّا لِحَمَالِي

"يا قلم الاعلى قل يا ملاء الانشا قد كتبنا
 عليكم الصيام اياما معدودات وجعلنا النيسروز
 عيدكم بعد اكمالها كذلك اضاعت شمس
 الحكمة والبيان من افق الكتاب من لسان
 مالك المبدى والمآب"

(از کتاب مستطاب اقدس)

شهرالاعلا ماه صائمین فرامیرسد و کم کم طبیعت خاموش خود را برای استقبال یک بهسار دیگر آماده میکند . ایام مقدس آغاز میشود که در طول آن احیای عزیز الهی یکی از مهمترین فرائض خسوسش را انجام میدهند . نه از آن رو که جلب منفعتی و دفع مضرتی نمایند بلکه هر یک از این باین بیان مبارک ناظرند که میفرماید "قد تكلم لسان قدرتی فی جبروت عظمتی مخاطباً لیریتی ان اعملوا حدوی حیباً لجمالی" پس حاجتی نیست که در این جاسخن از منافع صم گوئیم و فوائد بیشمار جسم و روحی را که بران مترتب است برشمردیم .

کافیست کیفیت اسرار انوار اولیالی بر اسرار صائمین را در پیش دیده آریم . آنوقت احساس میکنم که فروغ آسمانی قلوب ما را روشن میسازد و نفعه ای الهی روحمان را صفا و پاکیزگی تازه عطا میکند . آرزو میکنیم که خداوند مهربان ما را در اجزای امور مقدس خویش یاور و معین باشد . تا چون روز نوروز فرارسد فسر خندید و بیروز باشیم .

یحقیقت چه د فائق گرانیهای است انگاه که مؤمن پرشورد رخاموشی سحرگاه با سینه ای پرسوز و دل آتش افروز روی دیدرگاه خدا ای بین نیاز میکند . با سوز و گداز ترانه عشق و سوختگی آغاز مینماید صوت ملیح مناجات در رضای آرام و عمیق یا مدادی بگوش میرسد و امواج جاوید آن بسوی آسمانها اوج میکنند نسیم صبا که دوش بالطف و خویشی د راغوش سیزه های نوخیز بخواب رفته بود آهسته بربخ پاک نرگس بوسه میزند و زاله صبحگاهی بر بیاله گل در رخسند و بتایان میشود .

حاجت پرشور هر دم آغاز نغمه ای تازه میکند و یا هنگی د لنوا مناجات و راز و نیاز مینماید روح اوسیک تسر میشود و دل و جاننش بفروغ پر الهام عشق الهی روشن و بتایان میگردد حجاب تن بر میدرد و روح اولمحمای چند در رضای قدس پیروا زو طیران در میاید . در این حال در ریچه حکمت الهی از افق کلمات مقدسه بروی چشمان مشتاق او یاز میشود اندیشه های عمر را فراموش میکند (بنفیه در صفحه بعد)

باید پایین افراد عملا ثابت نمود که

و محبت و الفت و اتحاد سهل انگاری

پس از ورود در خیمه بکرنگ الهی

در امور افعال در انجام دادن

دیگر معتقدات سابقه و افکار و

وظائف ملاحظه در استیضاح

عقاید قدیمه راهیگونه تا تئوری در عالم بهائیت

در مسئولیت اداری امر نیست و همچنین معنی

نیست . کلیه بهائیان مسیحی بهائیان یا مسلمان بهائیان

فعالیت و صراحت و اجرای اصول تشکیلات بهائیان

در عالم وجود خارجی ندارد . مؤمنین امر الهی

تند خویشی بین اعتنائی آلودگی یا ارسال مراسلات

عملا باید مشاهده کنند که در عالم امر عزت و

بیهوده و مکاتبات اداری ایجاد عدم اطمینان در

فخر و بزرگواری افراد فقط در خدمت یا مسرو

مؤسسات تشکیلاتی نباید یا عمد . بلکه همیشه باید

وصول یکمالات انسانی است . فقر و غنای ظاهری

فعالیت افراد توأم با روحانیت و انجام دادن امور

جاه و مقام صوری قدرت و ضعف مساوی تا تئیسری

توأم با الفت و محبت و همکاری باشد و حتی الامکان

در عموالهم روحانیت و جلب تائیدات الهی

افراد در تشکیلات اجتماع باید نوعی فداکاری نمایند

نداشته و نخواهد داشت بلکه مطابق نص صریح

که در هر جلسه یا هر لجنه یا هر نوع تشکیلاتی که ترتیب

کتاب مستطاب اقدس ((لیس لاحد ان یفتخر علی

داده میشود منظور عملی و هدف اصلی شخص

احد کل ارفاء له واد لا عمل انه لا اله الا هو

تعزیب شود تا بتوان محصول کار و زحمت افراد و نتیجه

انه علی کل شیء حکیمان)) احدی حق فخر و

حرکت جامده را عملا مشاهده کرد . مثلا مطابق

بزرگواری برد دیگری ندارد و لیس در عین حال باید

تعالیم مبارک حضرت ولی امر الله ارواح فداه که در

دانست که رعایت ادب و احترام و خضوع و خشوع از

لوح منبع مورخ جانوری ۱۲۹۱ مذکور است یا بعد

سجایای رحمانی و کمالات انسانی است .

جامعیت و عمومیت آئین بهاء الله را اثبات نمود

مسئله ای که فوق العاده مورد توجه و اهمیت

چنانچه میفرمایند قوله الاحلی ((باید یا ران الهی

باید فرار داده شود این است که مفهوم روحانیت

عموما و امنای محافل مقدسه روحانی خصوصا جمعا و

(بقیه از صفحه قبل) و یا عشق و شوریدگی سرور الهی میدهد .

بإله الرحمن والمقتدر علی الامکان تری عیادك وارفاك الذین یصومون فی الایام بامرک و ارادتك و یقومون

فی الاسحار لذكرك و ثنائك رجاء ما کنز فی کناثر فضلك و خمزائن جودك و کرمك اساء لك یا من بیدك زمسما

الممکنات و فی قبضتك ملکوت الاسماء و الصفات

بحقیقت اود در عالم روحی لذت بخش غوطه ورمیشود که بوصف نم گنجد و باند یشه نم آید . . . چون شامگاه

رسید صائم صادق اشک شوق در چشم و لیخند شادی برب دارد . گوش صبح خندان زندگی در رسید که بسر

آن تبسم میکند و یا با عزیز است که از سفر آمده تا سرشگ شادی بیارد .

صائم صادق یک روز فرخنده و پیروز را با صم روحانی و جسمانی برآورد . و اکنون با اندیشه پاک و قلب صافی دو

واره سرپاستان الهی می نهد و آهنگ نماز و مناجات می کند . (هیئت تحریریه)

انتیاس از تاریخ
 نیلی زندی
 نگارنی آقای
 روحی ارباب

روایت جناب
 کلیم کهد رآن زمان
 شریک مصائب
 اخوان خود
 بود

هزارد ششم آرمیکنند قصد هلاک
 گم بود وستی ازد شمنان ند ام بک
 وگرنه هردم از بحر هست بیم هلاک
 مرا امید وصال تو زنده میدارد
 (حافظ)

شهادت جناب سلیمان خان در طهران

در طهران مولد محبوب عالمیان مجمع بزرگی برپا بود
 وگروهی از اعیان و بزرگان و علما گرد هم جمع آمدند
 بودند و از هر دری سخن میراندند روز عجبی بود
 و هنگامه غریبی بیم شهادت جناب سلیمان خان
 یکی از بیایان بود مردم شهر در اطراف مشاهدات
 خود یا یکدیگر مکالمه مینمودند و برخی از آنان راه
 اغراق و مبالغه می پیمودند ناظرین این واقعه و
 شاهدین این فاجعه منقلب و متاثر و از فداکاری
 و جانبازی آن سادج پرهیزگاری متحیر بودند
 ملا محمود نظام العلماء خطاب به کلانتر گفت: احوال
 وفات سلیمان خان را لطفاً بیان فرمائید زیرا حاضر
 همه طالب و راغبند

کلانتر با انگشتان خود اشاره به میرزاتقی خان که خدا
 نمود و جواب داد: ایشان سلیمان خان را از قرب برای
 ملك تا محل شهادت همراهی نمودند و از کیفیت
 وقایع آگاهند
 جمیع حضار بیک لحن ند ایراوردند که وضع شهادت
 را بیان نماید و حضار را نگران نگذارد
 میرزاتقی که خدا تعظیم نمود و آهنگی حزین بدین
 مضمون سرود:

آری ما مورث سلیمان خان بودم و آنچه را که
 زای العین ندیده ام بزیان میراثم داستا نیست
 عجیب و حکایتی است پس غریب
 حاجب الدوله از طرف شاهنشاه ایران ناصرالدین
 شاه جوان ما در بود صحت و سقم قضایا را تعیین و
 (۱)

اشترک سلیمان خان را در تیراندازی پشاه تحقیق
 نماید حاجب الدوله مطابق او امر شاهانه اقدام
 و در استنطاق او اهتمام نمود چون براثت سلیمان
 خان آشکارا آثار بی گناهی وی پدیدار کرد بد خطاب
 بوی کرد و گفت:

سلیمان خان براثت بود ریشگاه عدالت معلوم
 و خدمت تا کنون رضایت بخش و مقبول بود
 لیکن شاهنشاه ایران تیزی تو را از آئین بیاب
 خواسته و خلعتی زیبا برایت آماد هو آراسته اگر بر
 وفق میل و رضای شاهنشاه محبوب امضاء دهی
 در نهایت راحت و رخا ایسام بسربری و گزیده طعمه
 شمشیر سلطانی گردی

سلیمان خان امان ند آگه بیک سلطان بیان خود
 رایه پایان رساند فریاد و فغان آغاز کرد و باین آواز
 د ساز گردید: لا والله لا والله بچنین عمل
 : نع و قول سخنی شن ند رند هم و مادام که موهبت
 حیات در شویان نیاز است جز مدح و ثنا حریف
 د یگر نزنم این عالم را که حضرت امیرالمؤمنین
 محبوب من فی السموات و الارضین به جیفه فد زه
 تعبیر فرموده و با بیانات فصیح و اشعارات سلیس
 ملیح فد رو فیتمش را تعیین نمود چه تواناشی و
 قدرت است که مرا از قرب وصال و زیارت جمال
 و منتهم آرزو و آلام جدا سازد و در زمیره مغرور بسین
 و مستکبرین امرنا زینشر در آورد خیر خیر
 حاشا و کلا تیری از محبوب اعلام یکدم جدا نشود
 (بغیه در صفحه بعد) (۷۳)

از فیض ابهام بجویم . عالم خاک را در قیال آن -
انوار تابناک چه ارزش و آلودگی - و استودگی در
بستر صفت و نادانی راد آن فضای رفیع نسا
متناهی چه قدر و منزلتی . جان راد در ره جانسان
رایگان نثار نمایم و این خون افسرده راد در ره حسیب
و ولایتش ایثار کم .

حاجب الدوله چون این طرز گفتار بشنید شیرزبان
در مقابل چشم خویش دید که از هیچ زجر عذایی
بیم ناک نیست . مامورین و همراهان را امر کرده به
مهل و آرزوی سلیمان خان رفتار کنند و او را در -
انتخاب طریقه شهادت کاملاً آزاد و مختار گذارند
هنگامیکه جلاد چاقو را در دست گرفت و قصد سوراخ
کردن بدن وی نمود دست جلاد بلرزید و از این
عقل سخت بهراسید .

حاجب الدوله چون مراتب ایمان و ایفانش را دید
و بیانات عاشقانه اش شنید گفت :
- حال که با فکر سابق خود باقی هستی باید به
قتل رسی .

سلیمان خان یا جرئت چاقو را از دست جلاد بگرفت و
بطوریکه همه مردم بشنیدند آواز برآورد :
چرامیترسی و از چه ویر خود می لرزی . بیم و هراس -
مد از من شخصاً عهدی در از این عمل شده بدن خود
را مجروح و به روشن کردن شمع خواهی برداخت .
عشقبازی کاریازی نیست ایدل سرباز

سلیمان خان جواب داد : منتهی آرزوی دل و
جان همین است و بس .
حاجب الدوله معتجبانانه گفت : آیا میترسید
شهادت شوری ؟

ورنه گوی عشق نتوان زد بچوگان هوس
چون ترسیدم که میاد بر ما حمله نماید و طریقی جنک
وستیز نماید امر کردم دستهای او را بستند
اجازه دیدند با انگشتان خود محل وضع شمع را
تعیین نمایند و عمل جلاد را در این مورد تحسین
مینمود و میگفت :

سلیمان خان جواب داد : در نه جای بد نه سوراخ
تعمیه کنید و در هر سوراخی شمع برافروزید در -
در کوچه و بازار طهران گردش دهید و از عیسوی
مردم شهرد عوت کنید و مراد نیت و آزار دهید
تاجمهور ناس بر این شهادت پرافتخار آگاه باشند
و حوادث استشهاد در قلوبشان خیمه خزرگسای
افروزد متذکر و متنبه شوند و بر زجر و عذاب متوجه
گردند بر شدت مقاومت و مخاصمت نفوس مطلسع

مروحیا . . . مروحیا . . . احسنت . . . احسنت . . .
وظیفه خود را خوب انجام دادی و ماموریت مرچوبه
رایا تمام رساندی . نه موضع بدن را که عبارت از
دست و پا در سینه و دوبرگتف ها و یکی برگردن و چهار
پشتش بود سوراخ نمودند .

شاید این نوریزدانی را مقرومعترف شوند .
پس از وصول ب مکان شهادت و تلاوت مناجات در
آخرین دقائق و لحظات حیات بدنه راد و نیم کرده
بیا و بیزید تا عا برین به بینند نارمخیتی را که درین باب
در قلوب احیاب برافروخته و تار و پود او هاشمیان
را سوخته است . درجه اخلاص و فد اکاری آنان را
از نزد یک بنگرند و از جهان و آنچه در اوست بگذرند .

سلیمان خان در نهایت ادب و وقار
وسکون و تضرار تحسین مس نمود

من که ره بردم بکنج حسن بی پایان دوست
صد گدای همچو خود را بعد از این قانون

(بقیه در صفحه مقابل)

(بقیه از صفحه قبل) و نغمات عاشقانه میسرود.
سینه ام ز آتش دل در غم جانانم بسوخت
آتشش بود در این خانه که گاشانم بسوخت
تم از واسطه دوری دلبر یگداخت
جانم از آتش هجر جوجانانم بسوخت
هر که زنجیر سوزلف گوهر گیتودید

شد پریشان و دلش بر من دیوانه بسوخت
نور ثبات و استقامت از دود بدگانش مشرق و در بحر
سور و مستغرق بود با طمأنینه و وقار گسردش -
میکرد و ملامت و سوزش نمی نمود ^{اغتناب} هیچان و تشویشش
تماشا چنان ناورا مضطرب نکرد و منظره خونین
که از بسدش جاری بود ویرامعذب نغمه نمود بدش
غرق در خون شد و ز جسد عذاب از حسد فزون
گسردید : در وجهه زیبا بس آثار حزن و اندوه
دید نشد و آه و حنین از او یگوش نرسید چون
شموع نه گانه را در جایگاه خود نسرانند آن -
عاشق دلیباخته یا جزو عذاب اعدا ساخته پاره
افتاد و از مقابله صفوف ناظرین گذشت چسبون
چند قدم جلورفت در مسیر خود یا استقامت و نظرش
بتماشا چنان خائف و مضطرب افتاد فریاد زد :

- چه روز فیروز و عجب جشن جهان افروز نیست
در این بیم نورانی آمال و نوای ایمن زندانی
رخ گشود و وزنگ حزن و الم از صفحه دل -
بزدوده است تاج مرصع شهادت نصیب
این بنده شرمند شده عظیم است مقام ارجمند
مولای که شعله بر قلوب احیایش زد و جام شهادت
را با صاحبش رایگان بخشیده فوت و سلطه ای همه
پهروانش اعظم از قدرت ملوک و سلاطین عطا فرمود
صیرو فرار از لهای عاشقانش بود گاهی فریادش
زد : - حضرت خلیل در ایسلم زحمت و مرارت برآزود

رنیازید رگه پروردگار چاره سازید اخت و آهنگ
تضرع در تخفیف آلام و اسقام خویش مینواخت از
مکن غیب این نداشنید "یدانار کون بر او سلام"
لیکن ای گروه مسلمین و ای جمع حاضرین سلیمان
از اصاق قلب پیر احتراق خود صیحه میزند و باین ندا
بمشهد فد امیشتاید : کما یپروردگار وای گریگاریسر
شعله این نار در درون من بیافزاتاشد هله آن وجودم
رایسوزاند و از این قطرات خون نهالمهای بر بارویر
پیویاند .

شمع میسوخت و لب قریب با نتهش بود سلیمان خان
نگاهی بر شمع انداخت غبار حزن و الم در چهره اش
نمایان شد خطاب بشمع کرد گفت :
سای کاش آن نفس مقدس که باد ستهای نازنین روح
مرا مشتعل نمود ویدام عشق و محبت خود منجذب
و اسیر فرمود در این حال حاضر رومر ناظرید گرچه
از عالم غیب مراسم ببند و یا شد قوی تاثیر میفرماید
آنکه دائم هوس سوختن مامیکرد

کاش میامد و از دور تماشا میکرد
ای جمعیت غافل از خد او ای ناظرین و شاهدین این
بلا یا گمان میرید که مستم خیر از عالم طبیعت رستم
قلم از عشق محبوب سرشار است و روح مستیشر
به اشارات و انوار حضرت پروردگار قوت و سلطه ای
بمن بخشیده گچشم روزگار نظیران ندیده سلاطین
و امرا و وزرا برای قدرت و توانش حسرت
بزند و بر این روح بلند و ارجمند غیظه خورند
عبارات و کلماتی که از دهان آن پهلوان زمان
خارج میشد خارج از توصیف است کلماتش در
کوش شنوندگان تا تیری بسزاد است و آهنگ
بدیعش ظنین اندازد رفا بود .

در نزد یکی از ارباب علمای وزید و چون بشمع

اندرخته رسید قوت شد تن : زنا بر فواید د مید .
 شمعی که بر سینه اش جای داده بود ند شعلاش
 نزون و رفت رفته بجروح رسید صد ای گسوستی که در
 آتش میسخت بگوش رسید ویوی کیاب استشعاع گردید
 چون ریزش خون زیاد شد و شعله نیران اشتعال
 یافت خطاب بشعله کرد همچون وارنجره بر آورد :
 ای آتش قوت میوزش و افروزش در تو نیست در ایستاده
 من مؤثر نیستی . یشتاب و بر شدت اشتعال
 خود بیفزای بسوز و بگذ از و کارها هر چه زود تر ساز .
 از اسان شعله است صوتی ملیح و بیانی فصیح
 می شنوم که سر ایسوی محبوب میخوانی و زنگ فسراق
 را بقرب وصال میزدانی .
 سلیمان نظیر سلطان پر حشمت در رسید ان نصرت
 حرکت میکرد و اظهار خوش و مسرت هینمود . چون
 طلای خالص در کوره امتحان یگد اخت و در زیر
 شعله آتش اسرار عشق و محبت مینواخت . مراحل
 طولانی پیم کرد تا پشیدند از رسید . در سخن را بلند
 کرد و خطاب بجمعیت حضار فرمود :

بپوه ز این همان سلیمانی است که مشهور و معروف
 بود . هر دم نطق مکرر و هوران بیانی بدیع میفرمود تا
 بمقام امامزاده حسن رسید . کلماتی ملیح و بیاناتی
 فصیح بزبان عربی ایراد کرد . معانی انرا درک ننمودم
 و عباراتش را بخاطر نسیبم روی بجلاد کرده گفتم :
 کار من تعلم شد مقصود خود را انجام ده .
 در حالیکه زنده بود جلاد او را دوشقه کرد و سپس از
 آن جسد مظهر را بر یک در رب در روزه و نیسی در بگرا بر
 در رب در بگرا و بختند .

نسم ملائیس میوزید و بر شهید را جانان میگدشت و
 بازبان حال این شعر میسرود :

هرگز نمیرد آنکه دلش زنده شد بعشق

ثبت است در رجید عالم در وام ما

* * *

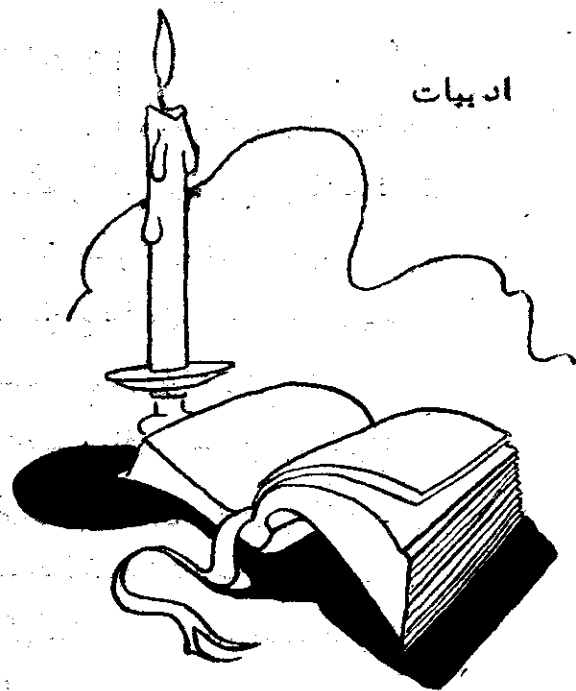
چون در استان کلانتر پیاپی رسید سکوت
 اعماق قلوب حضار تا شیر نمود نظام العباد
 دستی بردست زده نهاد کشید چه امر و جبین
 هجب در استان مهیجی از جای برخاست و عذر حضور
 در جمع خواست .
 (انتهى)

این همان سلیمانی است که در چند لحظه قیل در
 نهایت ثروت و ثنای بود این سلیمانی است که تریس
 راحت و رخا بود . این سلیمانی است که همه او را
 دنیا ختمند . حال طعمه آتش شده و غرق در خون
 گردیده ای گروه تمام ناچاران را ای ظالمیان راه
 یزدان اندکن تفکر کنید و بخورد آئید آیا چه باعث شده
 که او جمیع شئون را در نیوی و آسایش و راحت مادی را
 ترک گشته و این آلام و مصیبات و زاریا را با وجهه
 خندان و تلیس ختم و شادان استقبال میکند . آری
 ای غافلین و محجوبین تعمق کنید و تدبر فرمائید شاید
 بدرك این مقام فائز آئید .
 این همان سلیمانی است که در نهایت عزت و شوکت

۱۰۰۰ آید امید انیند ؟
 که کتاب مستطاب بیسان در سنه هزار و
 دویست و شصت و سه هجری در جیل ما کو از
 كلك اطهر حضرت اهل بیت ارواحنا
 لمظلومینة الفدانا زل گشته است ؟
 که . . . حاصل لوح هزار بیتى باذره ایحان
 جناب میرزا محمود زرقمانی شیره رازی
 میباشد ؟
 که لوح مبارک رئیس خطاب به عالی پاشا وزیر
 سلطان عید العزیز است که معروف بر رئیس بود .

؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟
 ؟ | سؤال و جواب | ؟
 ؟ | | ؟
 ؟ | | ؟
 ؟ | | ؟
 ؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟

ادبیات



آهنگ بدیع منظور از یاد معلومات خوانندگان و حل مسائل غامضه ایشان در مباحث مختلفه علمی و فلسفی و تاریخی و ادبی و استدلالی و غیره این ستون را تعیین نموده است که سئوالات آنان درج و یک يك پاسخ داده شود تا هم مورد استفاده افراد سؤال کننده واقع شده و هم دیگر قرائین محترم بهره و نصیبی از آن حاصل گردد .
 اینک بدین وسیله ی کلیه خوانندگان اعلان میشود که سئوالات خود را یاد رس این مجله ارسال نموده و جواب آنها را در همین ستون ملاحظه فرمایند .
 (هیئت تحریریه)

از غزلیات جناب عزیز الله مصباح علیه رضوان الله

=====
 تان شد از صحبت اغیار خالی خانه ام

خیمه کی افراشت در صحرای دل چنانعام

گنج غم دانی چرا در سینم جای داد

خواست آید آن کند چون دید ویران تمام

از روز آشنائی نکهت یامن نگفت

تاندید آن ماهروز خویشتن بیگانه ام

پرتوی از طلعت عید البها در دل فتاد

رشک جنت شد ز فوط خرمی کاشانه ام

از سر الطاف نامحدود ساقی الهمت

کرد لیریز از من پیمان او بیمانسیه ام

مرغ جانم طایر افلاک آزادی بود

تا اسیر غمزه آن نرگس مستمانه ام -

هر چه بینم در جهان گرنیست خود سودای دوست

آید اندر چشم عبرت واهی و افسانه ام

عشق روی دلرهای او اگر دیوانگی است

=====
 جنسون شهرت

" یکی از اروپائیان در انقلاب و طوفان "

" افتاد دیگران او را نجات دادند ولی "

" او خود افسوس میخورد که چرا من غسرق "

" نشدم تا در روز نامه های نویسند و در "

" جمیع ممالک اسم من شهرت نماید ؟ "

" این نفوس برای امور جزئی هلاک خود را "

" من پسندند ولی در سیل امرالله قدمس "

" برنم دارند . "

(نقل از کتاب بدایع الآثار)

" سفرنامه مبارک "

زود زنجیری فراهم کن کمند دیوانعام

شمع و شمع مصباح هر جان آن صنم رخ برفروخت

از برای سوختن آماد همچون پروانهام

چون حکم معاشرت

یا ملل و نحل مختلفه

از قلم مقدس ساری

شد فکرتهمیسه و مسائل سریع مسافرت

و ایجاد تلگراف و تلویزیون و ۰۰۰ و در مغز ششسر

بوجود آمد ۰۰۰۰ چون مساوات حقوق رجال و

نساء از کلک انور جاری شد نهضت های مختلفی

در اقطار ریبغ کسره مسکون برای تحفیق آن

ایجاد گردید تاجائی که نساء در مجامع و پارلمانها

عضویت یافته و پوش بدوش رجال حتی در میادین

جنگه بستیزه پرداختند و بجمع انحاء یگانگی و برابری

خود را بایثبات رسانیدند .

چون امروزه اشتغال کار و مراعات عدالت برای

کارفرما از فرمولای حنون یا فاق طنسین انسد از

شد مقدمات اجرای آن مثل فجر صبا دق لائسج

و اشکار گردید تا آنجا که بیکاران جهمان در صدد

تشکیل اتحادیه های برای احقاق حق و تحدید مشقاً

کار برآمدند و اصول منزله الهیه بر جهانیان اسلام

بشد حتی برای یدست آوردن این حقوق طریقی

میالغه را پیموده و سعی در کوتاه کردن دست

ظالمان ارض از ظلم نیز بردستان و رعایت جسانب

افراد نمودند .

بدین طریق کلیه شئون مختلف زندگی بشسری از

بقلم آقای مهندس عباس شهیدزاده

تعالی هذه القوة القه سبه الدافعة الساریق حقائق الكائنات

از لیل نوروز تاریخ ۰۲ یدیع

بقیه از شماره قبیل

و غیره در چار تغییرات و تحولات گردید

بنحویکه زندگی امروزی بشر با زندگی قسرن سابق

هیچ مماثلت و مشابهتی ندارد .

نظری بوضع داخل زندگی ایران بر صدق این مدعا

گواهیست مبین و شاهدی است امین و قسری از

کاک اطیر جمال اقدس ساریق در کتاب مستطاب

اقدس ساریق حقوق زندگی داخل از نظافت خوراک

و پوشاک و غیره بیانات عالیهاست نازل حتی در مورد

چگونگی علمی شدن و طرز آس زندگی که مبتنی بر

آن اصول باشد برای سامعین و قارئین مشگ بود

چه رسد بعملی کردن آن ولی هنوز پیش از هشتاد

سال از تاریخ نزول آن نگذشته که آیات اشاعه و

تعمیم آن در سراسر این کشور ظاهر و باهر گردید

نهی از تقرب بحمامات حجم و دخول در رایبهای راکد

امر بجلوس بر کسرسی و صندلی شستشوی بدن

باب جاری افلا هفته بکیار حرمت داخل ایسادی

در ظروف برای تناول غذا - تعویض اثاث البیت پس

از انقضاض چند سال - حرمت تحلیل رؤس و امریه

تقلیم اطعار - مقرر داشتن اعتدال در ریش و لباس

و غیره او امر منزله مربوطه باین شان است (بقیه در ص)

بخش اطلس سپاسرسد

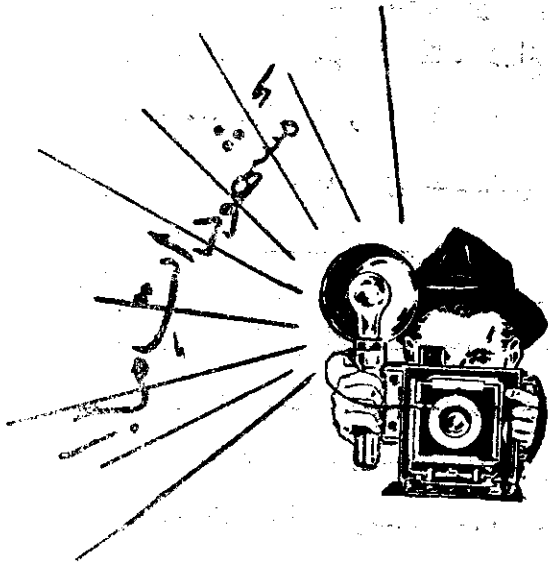
تاریخ هائی که در قرن اول بهائیان دارای اهمیتند

۱- سوئ قصد بحیات ناصرین شاه قاجار ۱۵ اوت سنه ۱۸۵۲ میلادی

۲- حبس حضرت بهاء الله در سیامچال طهران ماه اوت سنه ۱۸۵۲ میلادی

۳- نفی حضرت بهاء الله از طهران به بغداد ۲۱ ژانویه سنه ۱۸۵۳ میلادی

 * کاروان های تشویقی *
 * * * * *



چندی پیش بناید ستور لجنه ملی جوانان کمیسیون تبلیغ جوانان بهائی طهران در احتفال مجلل بنام "تائید" منعقد ساخت و جوانان را به مسافرت های تشویقی ترغیب کرد. بعد مای بر این منظور اذ طلب شد و اوراق سئوالیه را امضاء کردند. در خلال این جریان لجنه جوانان بهائی طهران طرحی تهیه کرد که از ایام فراغت جوانان بخصوص تعطیل تابستان استفاده نکند و دستهای چند نفری به زیر بار وایات اعزام دارد خدماتی که این دستها میتوانند در خارج طهران انجام دهند البته بسیار و نامحدود است و بتنا سبب اوضاع احتیاجات جامعه بهائی در هر نقطه تفاوتی کند ولی بطور کلی لجنه جوانان این دستها را چون نسائم صبحگاه میبندند که بفرمود حضرت عید البهائیه روح ما سوا خدا نباید. در ریاض قلوب احیاء الهی مرور نمایند و دلها را به ثابته جان بیاد جاتان زند میکنند. این طرح لجنه جوانان مورد تصویب و تائید محفل مقدس روحانی طهران و لجنه ملی جوانان قرار گرفت و اقدام در ریاض آن روز شنبه ۳ / ۱۸ / ۱۰۲ = ۲۰ / ۱۱ / ۲۴ آغاز گردید. در این روز و کنگرانیستند جد اگانه تشکیل یافتند و هر کدام نمایند لجنه جوانان بعد از خاتمه بیانات متناطبق هدف لجنه را از طرح این نقشه بیان نمود و جوانان را بقیام و نهضت عاشقانه دعوت کرد سپس اوراق سئوالیه ای که در آن از مشخصات او طلب و رفتاری همسفر و تاریخ مسافرت و مدت اقامت او پرسش رفته بود بین جوانان توزیع گردید که بکسب است اخذ تصمیم و ارجاع آنها بلجنه و بعد تصمیمین شده بود. او طلبان در صورتیکه مقصدی در نظر داشته باشند من

توانند در روزهای پورنویسند و در غیر این صورت محصل مسافرت را خود لجنه یا رعایت مقتضیات و احتیاجات هر نقطه معین خواهند کرد. لجنه در نظر دارد بعد از وصول جوابها او طلبان را بکنفرانسهای متعددی دعوت کند و تا موقع حرکت تعلیمات لازمه را از هر سر حیطه آنها بدهد.

"آهنگ یاد یغ" این مؤثر روح بخش را بسمع جوانان عزیز میرساند و آنان را بقیام عاشقانه دعوت میکند و محض تذکار این صلاهی ملکوت را نشر میدهد و تائید طائف حول اقدام است. . . العهد منکم یا اولیاء الله والوفاء من ریکم الکریم ومولا کم الشهاهد الحیاظ الناصر العظیم .

اگر از یاران نفوس او طلبان مسافرت هستند میتوانند خود را بلجنه جوانان در ایام چهارشنبه از ساعت شش و نیم بعد از ظهر به آدرس پل معرقی فرمایند: خیابان یوسف آباد - کوچه هایچ کاش ۴۶ پلاک محسن نعیمی (در پیرمؤید).

در شماره های بعد جمیع اطلاعات خود را در این خصوص از نظر خوانندگان عزیز میگذرانیم و همچنین بسوالات آنان در این باره پاسخ خواهیم داد.

صورت متن تلگراف ارسالی از طرف محفل روحانی ملی امریکا و کانادا ایریاست جمهوری امریکا رکساک ایبیرد رواسنگتن مورخه ۲۶ مارس ۱۹۴۵
نقل از اخبار امری محفل ملی بهائیان ایران

جواب وزارت امور خارجه امریکسا مورخه هفدهم آوریل سنه هفتاد و نهصد و چهل و پنج - ۱۷ آوریل سال ۱۹۴۵
نقل از اخبار امری محفل ملی بهائیان ایران

"آرزوی توام باادعیه بهائیان امریکسا چنان است که انجناب که شخص اول مملکت امریکا و مظهر قدرت این ملت در این مرحله خطیر تغییر مسیر تاریخ بشریت میباشید از لحاظ روحانیه رهبری و تفویت شوید که ملل و نفوس عالم را در مسیر استفسار صلح عموم هدایت فرمائید .
"ماموریت عالی حضرت عید البها" را در سنه ۱۹۱۲ در زمانی که آن وجود مقدس از شهر ریشهرسری مسافرت و اصول صلح عموم را انتشار میدادند و نیز بیانی را که در شهر واشنگتن فرمودند بسیار احترام و خلوص متذکر میشوم و ان بیان مبارک اینست ((امید است این دموکراسی امریکا اولین حکومتی باشد که اساس توافق بین المللی را مستقر نمایند و در ارتفاع رایت صلح پیشقدم باشد و تاسیسات نوع پرورانه به وسیله این ملت دموکراسی در سراسر جهان انتشار یابد فی الحقیقه این ملت بزرگ و محترم است در این جنا آزادی باعلی درجه رسید ، مقاصد انسانی ان بسیار قابل تحسین است در واقع لایق آنند که اولین ملتی باشند که سر پرده صلح اعظم را مرتفع و وحدت عالم انسانی را اعلام دارند . (ترجمه) امید و ام به وسیله ایجا د منظمی بدیع که کافل سعادت عالم انسانی باشد .
"احتیاجات شد بد نوع بشر در اثر مساعی کنفرانس اتیه" مسافرانسیسکو تحت قیادت شما مرتفع شود . محفل روحانی ملی بهائیان جورج . لتییر رئیس "نفوس"

"هالی" منشی "مستر جورج لتییر رئیس محفل روحانی ملی امریکا و کانادا - ویلمت . "مستر لتییر عزیزم" بر حسب دستور فورا بین وصول تلگراف شما مورخه ۲۶ مارس ۱۹۴۵ را که از طرف بهائیان امریکسا مخایره وطن آن آرزوی توام باادعیه خود را اظهار داشته بودید که آقای رئیس جمهور از لحاظ روحانیت رهبری و تفویت شوند که ملل و نفوس عالم را در مسیر استفسار صلح عموم هدایت نمایند اطلاع میدهم .
"وزارت امور خارجه در آرزوی بهائیان امریکسا را اینکه در خاتمه جنگ جهانی صلح عموم آغاز گردد در شریک و سهیم است . چنانچه قطعاً مستحضری از منویات دولت امریکا استقرار تشکیلاتی بین المللی بمنظور ایجاد صلح ، امنیت است و حصول این منظور مستلزم آن است که افکار عمومی از روی کمال جدیت و بصیرت متحد ای این منظور مقدس کمک نمایند لذا اعلام نموده فعالیت بهائیان امریکسا در مسائل صلح و امنیت موجب مسرت و اطمینان قلبی است . بعضی قسمتها مربوط به پیشنهادات کنفرانس "دمیارتون اوکس" که مورد علاقه شما و همکارانتان میباشد در رجوف ارسال میدام تصور میکنم نطق مستر (هنسری) اس . ویلارد (موسم به (طریق مثبت برای وصول بصلح دائم) مورد توجه مخصوص شما میباشد . دوست صمیمی شما فرنیسج - رسل رئیس اداره روابط عمومی

ترجمه و نگارش

در کسارد ریساچه میشکسان

ابراهیم منصوری

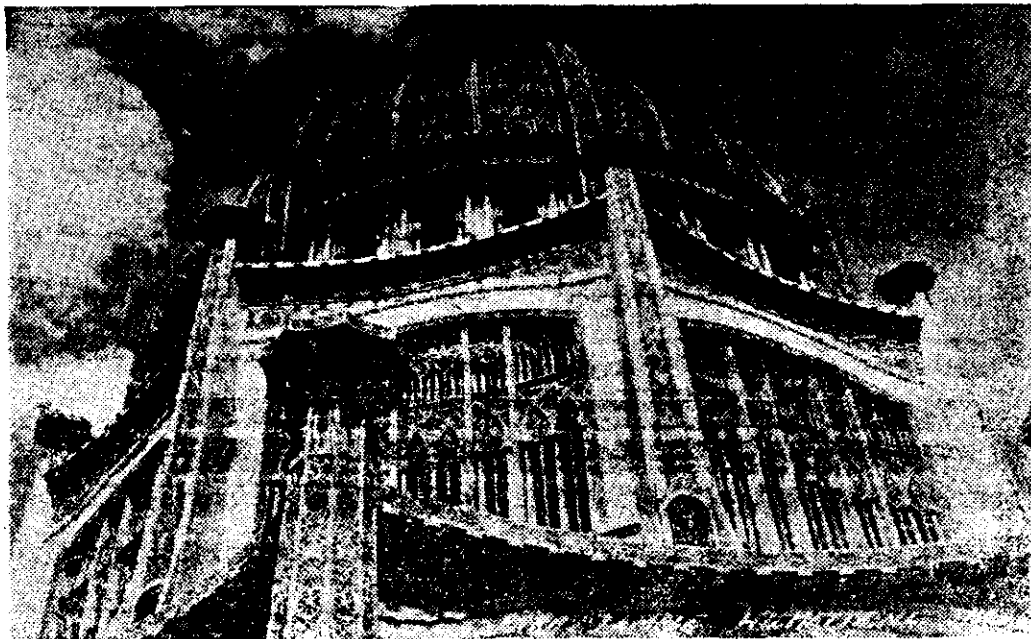
در ۲۸ اپریل سال

***** مشرق الاذکار امریکا *****

الاذکار و با از محاسن

معنوی آن سخن برانیم بلکه میخواهیم مشرق الاذکار امریکا را از تمام جنبه های آن بطور مختصر مورد بحث قرار داده و در ضمن طراح هنرمند آن را بشناسانیم. طراح این معبد عظیم مستر لویی بوزوا میباشد. (Louis J. Bourgeois). ما از ندگانی خصوصی اوقیل از تصدیق امر مبارک و طرح نقشه مشرق الاذکار اطلاعات کاملی در دست نداریم. اما چنانچه معلم است لویی بوزوا سالها در ^{مغز} طرح

۱۹۲۰ میلادی اولین سنگ بنای معبد صلح و یسا شاهکار معماری قرن بیستم در قلب امریکا (شیکاگو) در کنه زیبای دریاچه میشیگان نهاده شد. ماهمه از زیباییها و هنر نمائیهائی که در این بنای عظیم بکار رفته کم و بیش شنیده ایم و اینک میخواهیم یاد دیگر چند دقیقه توجه بمشرق الاذکار نمود موهم چنهمین یادی از طراح هنرمند آن بنمائیم. مشرق الاذکار حسب الامر حضرت عمید الیهیسا و



"یک منظره از گنبد زیبای مشرق الاذکار امریکا"

معبد عظیمی را می پرو رانیده است باید بخاطر داشت که لویی بوزوا یکی از معماران قایل و ماهر عصر حاضر بود و از عنفوان جوانی تا هنگام صعودش در سال ۱۹۳۰ میلادی اینیه عظیمه و عمارات مهمه و سعاید رفیعه در فرانس و کانادا اشیکاگو و کالیفرنیا بنانمود ما است که همه در نهایت (بقیه در صفحه بعد)

اقدامات مجدانه احبای امریکا و کمک های احبای نقاط دیگر ساخته شد و اینک پس از بیست و پنج سال هر صیحا مگروه گروه از گوشه و کنار برای راز و نیاز و مناجات بد رگه خد اوندین انبازید انیسوی روی میاورند. مادراین مقاله نمیخواهیم از خواص و منافع مشرق

(بقیه از صفحه قبل) عظمت و استحکام و شایان تجبید و تشدید است.
 بیست و پنج سال قبل از طرح بنای مشرق الانکسار روپاشی دیده و بر او القاشده بود که بایستس بنای بنای عظیمی شود و همیشه در نظر خود طرح بنائش را درازد و ستونش بروراند و میخواست نقشه آن را ترسیم نماید ولی تقدیر موافق مقصودش نیامد و در سنه ۹۱۱ اتحدیق امر حضرت بهاء الله را نمود و موقعیکه گفتگوی طرح نقشه عظیم مشرق الانکسار بر سر زبانها بود او نیز نقشه کشید و میگفت هرگاه مقبول افتد نقشه کاملتری طرح خواهم نمود و این در آن ایام بواسطه عدم وسائل لازمه و مقدر است الهیه مقصودش صورت عمل بخود نگرفت.

در سال ۹۱۶ ارتیکه از کانونشن مالیات ستون بنا را میگشت طبقه پائین بنا را طرح نمود و علامت از نمای کار خود در لیستگی پیدا نمود و در نظر گرفت بر سر اینکجه زوایای مختلفه این طرح واضح و متمایز گردد بدین گچی اثرات تهیه نماید و از الجائیکه خود نه سارت در رفن گچ بری نداشت ناچار از یک نفر دیگر بر سر ماهر استمداد جست و در ضمن در مدت قلمن این فن را از او تعلیم گرفت و طبقات بعد را خود بپوشان گسیج روی نمود - عجب است که خود لوئی بوزوا همیج وقت در خلدیو تخانه تفکراتش نقشه کامل عمارت را طرح نکرد و همیشه با خدای خویش میگفت آیا چطور در حالیکه قسمتهای دیگر در نظم نیستند بطرح تمام بنا ادامه دهیم؟ آیا کنید آن را چگونه بسازیم؟ که کاملاً هم آهنگ و مناسب باشد؟ اما پیوسته نداشتی ملکوتش من شنید که میگفت: همان کسیکه تو را بساختن این بنا عظیم هدایت نمود یاقی را نیز تبتو خواهد آموخت یاری چنانچه ذکر شد طبقات اولیه بنا را طرح کرد و

نمیدانست چه نوع وجه شکل کشید باید روی آن قرار گیرد؟ تا آنکه بکروز صبح که از خواب برخاست بر تلبیش روشن گشت که نقشه کشید را طرح کند و در مدت یک ساعت نقشه کشید را طرح نمود خود لوئی بوزوا بارها میگفت: طرح این هیکل از من نیست بلکه از تائیدات حضرت بهاء الله است.

اما اگر لوئی بوزوا میخواست تمام وقت خود را صرف طرح و ساختمان بنا نماید وضعیت مالی و معاشش - ایجاب نمینمده این بود که زنتش که مثل خود او از هنرین بهره نبود و نقاش ماهری محسوب میشد برای اعاشه مغازه شیرینی و بستنی فروش باز کرد ۵۰۰۰ هنگامی رسید که هر چه داشتند برای تمام طرح این بنا در دست آمدند و در این موقع بازار این دو نفر از پای نشستند مقداری گل از باغ مسکونی خود -

برای فروش بردند و باقیمت آن که از آن روز بزرگ کرد گچ مخصوص و سایر لوازم را اکتیاج نمودند.

لوئی بوزوا تصور میکرد که طرح این بنا عظیم در مدت سه ماه ریخته خواهد شد ولی بحدود سه ماه تمام از همه امور دست کشید و اوقات خود را در این امر مصروف داشت تا بالاخره موفق بطرح این معبد عظیم شد.

هنگامیکه طرح بدیع مشرق الانکار ریخته شد آنرا در معرض تماشای عموم گذاشتند و هر روز در دسته دست از علماء و معماران برای دیدن این بنای رفیع روی میاوردند.
 در تابستان سنه ۹۲۰ اعدای بالغ بر ۴۹ نفر توتوسط نمایندگان کانونشن آن سال انتخاب شدند که مدلهای پیشنهاد شده برای ساختمان (بقیه در صفحه بعد)

(یقیناً صفحه قبل) مشرق الاندکار را مورد مطالعه قرار دهند و بتصویب حضرت سعید البها* برسانند - این هیئت نقشه لوئی بورژوا و سایر مند لها را نزد رئیس اتحادیه معماران آمریکا مستر وان بورن مگنوتیل فرستاد باز او دعوت نمودند که نظریات خود را - راجع به مدلهای پیشنهاد شده برای ساختمان سعید بدهد - مستر مگنوتیل پس از مطالعه دقیق تمام نقشه ها بغوریت نقشه لوئی بورژوا را انتخاب نمود و گفت نقشه لوئی بورژوا بدیعترین اید است در معماری از قرن سیزدهم اینطرف امید است - هرچه زودتر ساختمان آن شروع شود - هیئت چهل نفری فوق الذکر نقشه لوئی بورژوا را حضور حضرت سعید البها* ارسال داشتند - حضرت سعید البها* آن را تصویب نمود فرمودند - حتی الامکان نیاید پیش از مبلغ يك ملیون دلار صرف بنا شود و هم چنین بنا یا تبه شماری در حق لوئی بورژوا فرمودند -

ساختمان مشرق الاندکار آمریکا از نظر فن

مشرق الاندکار آمریکا هنگامیکه از ارتفاع زیاد مورد نظر قرار گیرد ستار با بدست نه گوشه که قطر آن - ۲۲۵ فوت و ارتفاع آن ۱۸۰ فوت میباشد - این بنا ترکیبی است از مدل ها و اسلوب های مختلفه معماری جدید و قدیم - طبقه اول این بنا از جهت سادگی خطوط مفهوم هیاکل مصر و یونانی را نشان میدهد ولی طریقه ساخت و بنای کلیها یواب به استیل معماری رمان میباشد و در عین حال شباهت زیادی به مساجد زیبای عربی دارد - طبقه دوم - پنجره ها در این طبقه طوری در هم آمیخته گمب نهایت جمال بوزیباست و هلا لهائی که (۱۴)

مثل زنجیر قرار گرفتند است مشاهده می از مهارت و استاد ی طراح آن است - گنبد ساستیل گنبد "بیزاننتین" میباشد که از حیث هم آهنگی و توازن نهایت جالب بود بدنی است - اشکال هندسی بیشماری ستون ها و پنجره ها و دیوارها مشرق الاندکار را احاطه کرده است - نشانه ها و علامت ها مختلفه از قبیل صلیب سواستیکا دایره مثلث ستاره شش زبر (دو مثلث درهم) ستاره شش زبر (مهر سلیمان) ستاره پنج زبر صلیب مسیح علامت یورا محمد صلیب یونانی - بالا توازنه ستاره شش گوشه ای که شکل زیبای خود سعید عظیم است - خلاصه علامت جمیع مذاهب و ادیان روی این بنا زیبا بطرز بدیع منقوش می باشد - خود مشرق الاندکار چنانکه ذکر آن رفت يك ستاره نه گوشه است این ستاره نه گوشه در اطراف درها و درها و خطوط برجسته های ایمنی در همه جا ظاهر است و از آنها انوار طلائی رنگ منعکس میشود - پوشش این بنا از جنس مخصوص است بنام "تراکرتا" (خاک مخصوصی که برای ساختن چینی و مجسمه سازی و کور سازی عمارات بکار میرود) و پوشش گنبد از بلور مخصوص است که بسیار شفاف و درخشان است - ساختمان بنای مشرق الاندکار آمریکا با صرف - میلیس در حدود یک ملیون ریال با تمام رسید است - وقت گنبد به بینید خود لوئی بورژوا پس از خاتمه طرح بنا چه گفت: لوئی بورژوا در حالیکه اشک شادی از چشمانش سرازیر بود با صدائیس لرزان که حاکی از احساسات پاک ضمیر منبرش بود می گفت: "مقصود اصلی دیانت بهائی (بقیمه صفحه بعد) (۱۳)

(بقیه از صفحه قبل) اتحاد کامل مسائل اساسی روحانی و معنوی تمام ادیان سالفه و عقاید بود فلاسفه گیتی میباشد شما میتوانید هر موضوع و مطلب مذهبی و فلسفی را بنحوا تم و اکمل در تعالیم حضرت بهاء الله بیابید - تعالیم مسیح بود

از اختلاط سبکهای مختلفه معماری مذعیس با طرز بدیع بوجود آوردیم .
مشرق الاندکار امریکا و جنبه معنوی آن امر مقدس حضرت بهاء الله روح حقیقت جمیع ادیان الهی است و رافع تمام احتیاجات عصر حاضر

و محمد کاملاً مقتضای زمان در دیانت بهائش یافت میشود قدم فراتر نهیم از لحاظ معماری نیز سبک و روش ساختن معابد بهائش مجموعه بدیع از سبکها و استیلهای مختلفه معماری قدیم ، اگر سبک معماری مختلف معابد بود از مسیح و اسلام را تجربه کنید بهر کدام یک یک سبک وقت نمائید ملاحظه میفرمائید که چه هم آهنگی و تناسب در فرد فرد آن ها موجود است . اگر یارد بگردانها را با هم ترکیب کنید باز هم آهنگی



"یک منظره از مشرق الاندکار که تزئینات خارجی"

ستون ها را نمایش میدهد"

و ملجا و ملاند کل نرق و احزاب است . مشرق الاندکار نیز عیان نگاه عمم نوع بشر است - ایوا ب مشرق الاندکار همیشه بر روی همه از هنر نژاد و طبقه و مذهب بسیار است فسیس در همان آخوند و ملاند آن وجود ندارد - هر کس بهر طور که میسخواهد میتواند روی شستون مقدسه بهائش یا خدای خود مناجات کند صورت ظاهر معبد بهائش نیز شاهد همین مدعا است بنای معبد صلح دارای نه ضلع است که در آن نیم دائسره عمودی است که در وسط هر یک در ب های ورودی تراسر گرفته و گوش دست ها را بسره اطراف کشیده و من خواهد نوع انسان را در اغوش محبت خود بگیرد از اطراف

گنبد اشعه ای ساطع است که گم گشتگان یاد به ضلال و خرافات را بسوی خدا اودوستی بند گانش هدایت میکند و مانند اشخاص است که دستهای خود را بلند کرده و در حالت مناجات و توجه کامل بخدا اوند بی نیاز است .

(بقیه در شماره بعد)

و تناسب اولیه خود را از دست نخواهد داد - لذا من نیز در نظر گرفتم و سعی کردم که سبک معابد بهائش همه این خواص را داشته باشد و چون بدین مقدس بهائش مجموعه تعالیم جمیع ادیان گذشته است و ان ها را بمتفقای زمان در دسترس بشر گذارد من نیز بتائیدات حضرت بهاء الله معبد بهائش را

نگارش آقای روحی ارباب * تبلیغ کوچولو در حضور حضرت عید البها * اقتباس از سفرنامه جلد دوم

برای کودکان



اطفال عزیز شما میدانید که حضرت عید البها در بیس و چهار سال قبل سفری با اروپا و امریکا فرمودند . با آنکه بسیار ضعیف و ناتوان شده بودند و مسن مبارک زیاد بود ولی با همه اینها برای اینکه مردم را به دیانت بهائیت دعوت کنند

داشت غیر مؤمن هر چه میکردند قبول امر مبارک نمیشد . چون او را نزد من آوردند گفتم بسیار با من از این امر صحبت کرده اند ولی تا حال من قانع نشده ام با او گفتم استعداد نداشته ای تشنه از آب لذت میبری و قانع میشوی پسنا از روشن آفتاب و ماه و شنوا از نغمات جانسوز قانع

و تبلیغ امر فرمایند سفر نموده شما میدانید که مسافرت برای کسیکه رنجور و ناتوان باشد بسیار دشوار است ولی از آن جائیکه حضرت عید البها مردم را دوست داشتند و مایل بودند که حضرت بهاء الله را بشناسند و از دشمنی و کدورت دست بردارند قبول این زحمت فرمودند . در یکی از شهرهای اروپا طفلی که بسیار پاهوش و بهیکل مبارک آنس عجیبی داشت یا پدر مادر خود مشرف شد . البته آن طفل بسیار موذیب بود و دست بسینه در حضور مبارک ایستاده از مشاهده حضرت عید البها لذت میبرد . حضرت عید البها هم او را نوازش فرمودند و مادر طفل عرض کرد :

میشود نه کرو تا بینا . از این قبیل چون یا او گفتگوی مفصل کردم منقلب و مؤمن شد . پدر و مادر طفل از شنیدن بیانات مبارکه بسیار مسرور شدند و طفل هم یادگفت گوشت داده یا خود گفت معلوم میشود باید از طفولیت تبلیغ کرد زیرا حضرت عید البها دستور میفرمایند . در مراجعت پدر و مادر آن طفل را بسیار تشویق کردند و همه روزه مناجات و آیات میاموختند و واقعا بچه خوب و خوش اخلاقی که بدستورات حضرت عید البها رفتار کند موجب افتخار پدر و مادر است و خداوند هم او را همیشه دوست میدارد .

((پایان))

فرمان این طفل از حالا تبلیغ امر شده بهر که می رسد تبلیغ میکند و مدام ذکر شمارا می نماید . حضرت عید البها بسیار خوشحال شدند و او را نوازش کردند و فرمودند :

* اطفال عزیز . تاکنون چند نفر از رفقای شما *
* حکایات و اشعار زیبای برای ما فرستاده اند *
* که یک یک درج خواهیم کرد شما هم سعی کنید *
* حکایات شیرین را که میدانید برای ما بفرستید *

میگفتی در طفولیت خویش من یا این مسن کسبه بودم تبلیغ میکردم . شخصی از حیاب برادر من

(بقیه از صفحه ۳) قولا و عملا قلبا و فالیسا در امور جزئی و کلی عمومیت اثباتی بهائی را اعلان و اثبات نمایند ۰۰۰۰ در ترویج مصالح حقیقیه نایب جمهور جهد بلیغ بذول دارند تدارک نظر آشنا و بیگانه ثابت و میرهن گردد که بهائیان ناظر حقیقت دینند و از تظاهرات و قیودات مذهبیه فارغ و آزاد مروج اصولند نه اسیر اسم و رسم و محب عالمیاند و خدام صادق حقیقی آن وطن محبوب مظهر رافت کبرایند نه تابع اصنام و اوهام ۰ تردیدی نیست که برای نیل باین مقصود افراد جاهل بهائیان در چهار زحمات گوناگون مادی و معنوی و - بلایای لاتعد و لا تحصى خواهند شد و مسورد طعن و لعن و جفا و آزار بیگانه و خویش خواهند گردید ولی باید ناظر بمقام و منزلت امر الهی و فضل و عنایت سبحانی گردید که میفرماید (باید از شما ظاهر شود آنچه که سبب راحت بیچارگان روزگار است " و حضرت ولی امر الله ارواحنا لعنایاته القدامی فرماید " ای حواریون حضرت بهاء الله ماکه بامسن اسم جلیل موصوف و معسروفم و بهمهجه مولای تبه انائس منسوب حیفاست در مسوار د یلا مویموتاسی و افتد ایان مظلم بیهمتان نمائیم ۰

فرخند نفسی که تانفس اخبر زهر جفا از هر بیوفائی بچشید و خجسته نلیس که در سبیل اشتبار و نصرت امرش آنی اسوده نیامت ۰ این است شیوه مخلصین این است سنجیه مفرین این است طسریفت مجاهدین این است سزاوارچند مهتدین این است یگانه وسیله فوز و فتح مبین " بقیه دارد

(بقیه از صفحه ۱۵) حال اگر بنظر نصف عدالت

بوضع داخلی يك منزل ایرانی در سال ۱۱۴۰

شماره چهارم شمس و بهمان وضع در سال ۱۲۲۰ شمس بنگریم تا اثبات آنانی در ستورات فوق را کالشمس فی وسط النهار چشم سرو سر خواهیم دید ۰۰۰۰ داخل منزل يك فرد ایرانی حتی برای مردم مرفه ا لحال در سال ۱۴۰۰ شمس ظهرا از وضع ساختمان و تقسیم آن به بیرونی و اندرونی که ناشی از عدم تعادل جناحین زندگی بعضی مرد وزن بوده از چند اطاق بیرونی و غالباً مرطوب با وضع بسیار کیف و با عدم رعایت آتوقی و - سلیقه مفروش و اثاث خانه را از بیجا بخرند و رسیده اند از چندین نسل بیادگار گذارده شد تشکیل می داد ۰ در موقع غذا خوردن کاسه یا دیسی که حاوی ماکولات و یک جام که حاوی آب مشروب بود روی سفره که از کثرت تعداد لکه های روغن و غیره - شباهت پیوست پلنگ یافته گذارده میشود و - دستهای کیف والوده بانواع اوساخ حاضرین جمعا بجانب همان کاسه یا دیسی واحد دراز میگردید و پس از اختتام غذا با انگشتهای دست یا قیمانده در دهن و بین دندانها یا عماق حلق راندند شد موسس یا یک عدد آفتابده از حوض خانه پر شد و بود دستها و دهن شستشو می یافت از گامگام رقع خواب فرار سید ۰ بود با همان لباسهای روز داخل رختخواب میشدند ۰ حد اکثر ما هم یکبار برای شستشو و تنظیف بنزد یکتر حمام که بوی عفونت و لجن ته خزینه آن خارج از حد تشریح است رفتم و بعنوان تفریح هتئای یکبار در مجلس روضه خوانی یا سینه زنی حاضر میشدند ۰ مقایسه فرمائید زندگی امروز همان مردم را که لباسشان منظم و نشست و برخاست آنها روی صندلی و میل مرتب و

غالباً در منزل دارای حمام و سرو وسائل نظافت کامل هستند و از طرفی توای رادیو طنین انداز از طرفی اولاد و اطفال چون گلها ی تروتاز مویا شکو میفید (ص ۲۰)

بمعاضد تشان اقدام نمودی این

((تهنیت آتش))

این رسول الله یکنفر یهودی

است که از تشنگی طاقتش طاق

کرد ابرت جالب خشم خداست و

(خلاصه شماره هربای قبل)

شده . فرمودند

زود یرواورا

سیراب کن

زیرا همه بند

خدا هستند و

خدا همه را

دوست میدارد

و بهمه رزق

میده دیتول

شاعر :

اولیکن خداوند

بالا پست *

بعضیان در رزق بیسرکس نیست (بوستان سعدی)

آری حکم دفاع در فرمان موجد ولس مخصوص

یکسار مقاتل است که لشکر بیلا د اسلام کنند

چنانچه در فرمان میفرماید :

وقاتوا الذین یقاتلونکم ولا تعتدوا ان اللسه لا

یحب المعتدین (سوره بقره)

یعنی با کفار مقاتل قتال کنید . در کشتار اعدای

مهاجم زیاده روی و اسراف روا مدارید . زیرا

خداوند معتدین را دوست ندارد و در مقام دیگر

میفرماید : فان قاتلوکم فاقتلوهم و در سوره روم

آیه (۹) میفرماید : فان اعتزلوکم فلم یقاتلوکم

والقوالیکم السلم فواجعل الله لکم علیهم سبیلا .

یعنی اگر کفار یا شما راه صلح و سلامت ببودند

و از قتال خودداری نمودند شما را تعرض بانان روا

نیست . و در سوره مائده طعم احمیل کسایسرا

برای مسلمین و بالعکس حلال (بقیه در پشت صفحه)

بقلم آقای اشراق خاوری

هوش بماند آکره

آنان نراد اشتند . پیر فرمود جناب آخوند اگر شمارا

از تعالیم مقدسه قران و احکام و رسم سرود امکان

خبری بودی هرگز لب یابین گوته سخنان نمی گشودی

حضرت رسول را خداوند مجید در قران مقدر رحمة

للعالمین لقب داده نه نعمة للعالمین اگر مراعات

حال یهود برخلاف احکام خدا بود هرگز رسول

اکرم بعیادت ان یهودی مریص که نهایت آزار

اذیت رانست بحضرتش مجری میداشت و هر روز

ظرفی از خاکستر بر فرق اظهارش میریخت تششیریف

نمی بردند و هرگز آنسان نراد مسجد خود که بعد از

مسجد مکه اشرف مقام در عالم اسلام محسوب است

راه نمیداد . و دیگر این حدیث را شنید ه ای که

حضرت صادق علیه السلام روزی با غلام خود

تشریف من بردند یکنفر یهودی در گوشه ای

افتاد و رنگش سریده بود غلام را امر فرمود نرسد

که تفقد حالش نماید غلام برگشت و عرض کرد ما

(بقیه از صفحه قبل) فرمودند بقوله تعالی :

طعام الذین اتوا الكتاب حل لکم طعامکم حل لهم
از این گذشته در هیچ جای قرآن حکم لعن و
سب در خصوص یهود و نصاری و غیرهم وارد
نشده بلکه برعکس مسلمین را حتی از سب و لعن بیت
پرستان نهی صریح فرمودند بقوله تعالی فی سورة
الانعام " ولا تسبوا الذین یدعون من دون الله
فیسوا الله عدواً بغیر علم (آیه ۸ ام) یعنی عبده
اصنام و بت پرستان را سب و لعن نکنید کسبه
آنها نیز در مقابل اثر روی جهالت سب و لعن
خد اوند می برد ازند .

مادامیکه راجع بعیده اصنام سب و لعن جاساز
نیست در باره اهل کتاب از قبیل یهود و نصاری
بطریق اولی لعن و سب جایز نخواهد بود .

پیریزرگوار با کمال فصاحت و انسجام سخن مشغول
و اطرافیان همه منجذب گفتار شیرین او شده
برخی متنبه و بعضی متعجب بودند اخوند که خلق
را متوجه پیرد اشر حسد نر زبانه کشید
بالحجه خشونت امیزی گفت مگر حکم نجاست
مشرکین را در قرآن نخوانده ای که میفرماید :

انما المشرکون نجس؟ (سوره توبه)

مادام که نجاست آنان بحکم کتاب ثابت است ترا
چه رسد که چنین سخنان کوش و از یهود غنچه
برخلاف رضای خدا و رسول در فجاج کنی پیر فرمود
جناب اخوند این فرمایش سرکار هم بسازد لعل
برین اطلاع شماست زیرا اگر باین آیاستدلال
یونجاست یهود نمائش خود نیز در عداد آنان محسوب
شود و جز مشرکین بشمار میروی آخوند بر اشفته
نا ساز گفت پیریزرگوار یا نهایت پرد بسیاری فرمود
جناب اخوند نا ساز گفتن اهل کتاب مجزاست زیرا

از قبل گفته اند الشیمة سلاح العاجز و سجدی

شیرازی در بوستان فرموده :

چو حجت نماید چقا جوی را

پیر خاشاک در هم کشد روی را

نا ساز گفتن رایگاری بگذارد گوش بسخن فرادار
درست خد اوند در سور توبه فرمود ما است : انما المشرکون

نجس و این از آن جهت است که ملت اسلام را -

از دخول در شرک تحذیر فرماید تا خود را با بسن

یلبه گرفتار نکنند و گرنه مانند مشرکین حکم نجاست

در باره آنها ثابت خواهد بود ولی مسلمین از اینسن

تحذیر برند نگرفته و این نصیحت را نشینند خود رایه

مراتب بیشتر از ام سابقه گرفتار شرک ساخته

اند و رعین حال بیخیزند دیگران را مشرک خوانند

با آنکه قرآن بشرک آنان شهادت میدهد آخوند

بی اندازه بر آشفته و گفت ای پیر چمرایفسران -

مجید تهمت میزنی در کجای قرآن مسلمین را مشرک

فرموده ۰۰۰ این قرآن ۰۰۰ بگرو آنچه را میگوئیس

مدلل سازیرازان از میان غلاف چیرم کسه

حمایل کردن داشت قرانی بیرون آورد خواست

پیرد هد لیکن غفلة دست خود را عقب کشید -

گفت لایسه الا المظهورون من در اسلامیت تو

شک دام زهر اسخنان توبوی کفر میدهد و کافر

را نشاید که مس قرآن نماید زیرا فرموده مطهرترین

یعنی مسلمین که از نجاست کفر و رند میتوانند

مس قرآن کنند پیر خندید و با صدای بلند گفت یا

شیخ " سلام علیکم " آخوند مقصود پیر را نفهمیده

بیشتر از پیش بر آشفته پیر فرمود جناب -

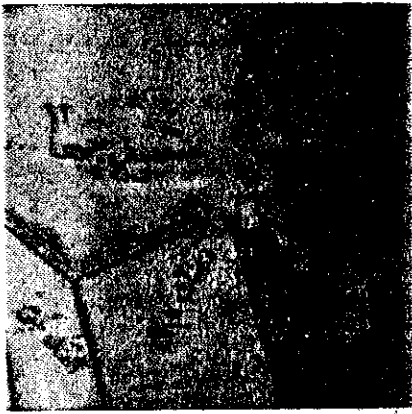
آخوند من بواسطه القای سلام اعتقاد خود رایه

اساس مذهب اسلام مدلل ساختم و تو راحق آن

نیست که الفاکند سلام را کافر شماری (بقیه دارد)

ش
ن
ی
و
ن
ی
ه
ا

*
* ظلمت آفتاب *
*



تاریکی شمس که یکی از علامت قرب ظهور است
در نوزد هم ایار سنه هزار و هفتصد و هشتاد واقع
شد مورخین در باره این روز مهیب چنین نوشتند
که در ساعت ده صبح نوزد هم ایار ایار بسیاری یا
حایت سرعت آسمان را پوشیده و نور آفتاب بگسی
نا بود گشت و تاریکی بحدی استیلا یافت که مرغها
باشیان خود برگشته و ظهور در لانهها ماوی یافتند
رمله های گاو و گوسفند از چراگاه یخوایگاه شتافتند و
چنان پند و نعتند که شب فرار میداد مردم بناچار
چراغها را افروختند .

بگری میگوید در بعضی از نقاط تاریکی باند از ما
شد بد بود که انسان کتاب چاپی را نمی توانست
بخواند و در فضای آزاد از دیدن خط محروم بود .
پرنده گان باشیانهای خود رفته مرغها پلانها شتافتند
گاو و گوسفند یخوایگاه ماوی گرفتند مردم در خانه
ها چراغ افروختند ابتدای این تاریکی ساعت ده
صبح بود و تا بعد از نصف شب ایرها آسمان را کاملاً
پوشانید میبودند .

بگری میگوید تاریکی باند از ما می بود که بشقربزنیاید
بسیار مهیب بود میتران گفت از تاریکی که در آن
ظهور موس با سرخدا بر امان مضموسلط شد
شد بد تر بود نور آفتاب بگسی منعدهم شد بد شهر را
تاریکی فرا گرفته بود باند از ما می که ورق سفید مثل

(بقیه از صفحه ۱۷) در جستجو خیزند و وضع ظاهری
مردم آیت ملکوت گردیده و بسوس ناخنهای سرچرک و
الیسه وصله شده موربهای ژولیده و صورت نهایی تراشید
(۲۰)

مخمل سیاه بنظر میرسید (از روح لئالی هدایت)
* ((سنگسار در آمریک)) *
میس ماری واتس معلمه فرقه تئوزوفیست بعد از تصدیق
امر مبارک اسباب خانه اش را فروخت و برای تبلیغ
به پنمیلوانیا رفت و بعد از ای خطا به های مسیحیه
مشغول گردید . پیشرفت امر الله کشیشها را بوحشت
انداختند و در هم جمع شدند بعد از شور زیاد تصمیم
گرفتند که مردم را بیهانه آنکه این زن ساحر است و
آنها را از طراط مستقیم حضرت مسیح بیرون
میبرد از استماع خطایات او منع کنند . از این موقع چهار
مشقات بسیار شد تا یکروز که مشغول ایراد نطق در باره
اخلاق روحانی و انجذابات الهی و محبت الله بود مردم
در سنت بسنگ و کلخ برده شروع بانداختن یاو کردند
در این هنگام تائیدات الهی رسید و آن امة الله بیاناتی
فرمود که حاضرین را نادام کرد منجمله فریاد زد ((ای
مردم اگر میخواهید مرا سنگسار نماید بیاید ، تعجیل
کنید که منمرا از خود حاضر ترخواهید یافت)) از این بیا
حاضرین چنان خاضع و خاشع و متاثر شدند که کل سنگها
را انداختند و حیران بختهای خود مراجعت نمودند

مشهود و فرموده مبارک "خلق با آداب اهل رضوان
در ارض ظاهرند" تشریح بر این را زائد دانسته و فکرخوا
این سطور را بزنند گن بشر در یک قرن دیگر معطوف مید
انتهی
(۸۹)



=====(جدول ذیل را حل کنید)====

جایزه

● پنج قطعه عکس زیبای مشرق الانکار امریکا

۱	ك	۱	۰	۰	۰	۰	۰
۲	ك	۱	۰	۰	۰	۰	۰
۳	ك	۱	۰	۰	۰	۰	۰
۴	ك	۱	۰	۰	۰	۰	۰
۵	ك	۱	۰	۰	۰	۰	۰
۶	ك	۱	۰	۰	۰	۰	۰

۱- موفقیت

۲- اگر چه امریکاش استولی برزاین حکومت میکند

۳- عالم معروف اقتصاد ی انگلیس در قرن ۱۹

۴- ساین اخوند اهل کرمان بود یازبارت یکی ازتوقیعات

میارکه ومشاهد ماموری درعالم روپامومن شده برمنیر

رفت ومردم را باایمان دعوت نمود درهمان روزیه

چوباعد امجروح گشتویس قومد تقلیلی صعوب نمود

۵- یکی ازیناد رینجگانه هندستان کستمعلق یفرانسه بود

۶- حضرتغصن اظهاردر رانجاقد ایرای عالم انسان گشت

طرح کنند: میروس توقیق

مدت قبول جوابها از این تاریخ الی ۱۲ فروردین

ماه ۱۳۲۵ خواهد بود

* نتیجه مسابقه شماره يك *
* * * * *

ز میان جواب های متعددی که شرکت کنندگان ارسال داشته بودند بتصدیق قضات مخصوص اهنگ بدیع پاسخ خانم پری راد پوررشته اول و خانم روحا خوشبین رتبه دوم شناخته شد . وچنانچه مقرر بود جایزه این مسابقه که شش شماره مجله اهنگ بدیع است از این تاریخ بادررس خانم راد پور ارسال خواهد گردیده . متنش است ادررس خود را بد فتر مجله اطلاع دهند .

هرچند احرازرتبه اول و دوم نیز نسبی بود موهیچ يك از شرکت کنندگان آیات را کاملا استخراج ننموده اند لیکن محص اطلاع سایر خوانندگان شماره های آیات مستخرجه را ذکر مینمائیم .

متی - باب ۱۱۶ ایه ۲۷ - باب ۱۲۳ ایه ۳۹ - باب ۲۴ ایه ۴ الی ۲۵ - باب ۱۲۴ ایه ۳۶ و ۲۷ باب ۱۲ از ایه ۱۱ الی ۱۳ و ۳۱ - باب ۱۲۶ ایه ۶۴ * مرقس باب ۱۳ ایه ۵ الی ۳۳ * لوقا باب ۱۹ ایه ۲۶ و باب ۱۱۲ ایه ۴۰ باب ۱۷ ایه ۲۴ - باب ۳۱ ایه ۳۷ * یوحنا باب ۱۴ ایه ۳۰

* (اعلان) --- *

۱- از مشترکین محترم ای که تغییر منزل و یا مسافرت میفرمایند تقاضا میشود که ادررس جدید خود را مشروحا توسط صندوق مکاتبات اهنگ بدیع که در حظیرة القدس نصب گردیده ارسال دارند .
۲- نفوسیکه وجه اشتراك خود را تاکنون نپرداخته اند یا مجله بواسطه عللی بانها نرسیده یا سرع اوقات این کسسیون را اطلاع دهند ۳۰ - نقاط ذیل برای تکفروش تعیین گردیده است : ۱- خیابان جامی چهارراه افاشیخ هادی مغازه مهتاب آقای فیروز موزون ۲- حظیرة القدس اطاق لجنه جوانان دفتر انشیره اهنگ بدیع ۳۰- مجمع جوانان بهائ طهر